

سیره سیاسی پیامبر اعظم(ص) و بازشناسی هویت دینی

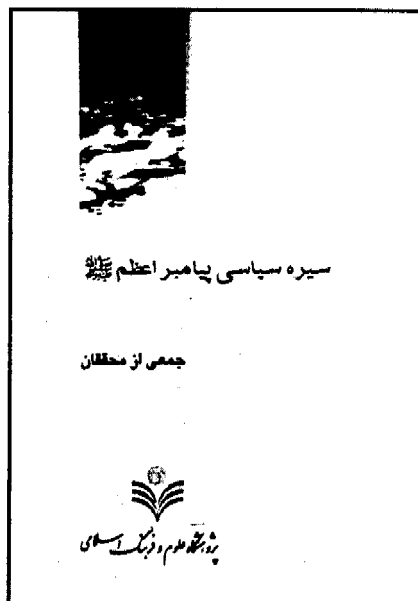
مروری بر کتاب «سیره سیاسی پیامبر اعظم(ص)»

فاطمه احمدوند^۱

کتاب سیره سیاسی پیامبر اعظم(ص)، در پاییز ۱۳۸۶ به همت جمعی از محققان در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است. این کتاب مشتمل بر سه بخش است که رویکردهای سیاسی پیامبر(ص) در زمان ها و شرایط مختلف و با نگاه به اندیشه های قرآنی و تاریخی را در راستای بازشناسی هویت دینی، تبیین کرده است. به عقیده مؤلفان این اثر، سهم پژوهش های دینی به ویژه در زمینه سیره سیاسی و حکومتی پیامبر اکرم(ص) در مقایسه با آثار شرق شناسان، بسیار ناچیز است.

اساساً کتاب سیره سیاسی پیامبر اعظم(ص) محور مباحثی چون: مبانی نظری سیره سیاسی و حکومتی پیامبر اعظم(ص)، مبانی انسان شناختی سیره سیاسی نبوی، اصول حاکم بر سیره اخلاقی - سیاسی پیامبر اسلام(ص)، جریان های سیاسی در حکومت نبوی، سیره نظامی پیامبر(ص)، اصول رهیافت امنیتی پیامبر(ص) در قرآن کریم، نظریه سیاست خارجی در دولت نبوی، نظریه های مختلف در موضوع عدالت، ویژگی های کارگزاران در حکومت نبوی، مناسبات قدرت و شریعت در سیره نبوی، نسبت دین و سیاست در سیره نبوی، ساختار نظام سیاسی نبوی و کارکردهای آن، توزیع قدرت در دولت نبوی، ولایت سیاسی پیامبر(ص)، جایگاه رهبری در دولت اسلامی، قانون و قانون گرایی، شورا و مشورت در حکومت نبوی، بیعت و وفاداری سیاسی در نظام سیاسی عصر نبوی، شیوه برخورد با مخالفان در دولت نبوی، حقوق اقلیت ها در حکومت نبوی، بررسی تطبیقی دولت نبوی و دولت های مدرن و آسیب شناسی حکومت در سیره نبوی است. بخش اول، دوم و سوم این اثر،

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران.



سیره سیاسی پیامبر اعظم؛ جمعی از محققان؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، ۵۸۴ صفحه.

- سیره سیاسی و حکومتی پیامبر اعظم (ص).

بر این اساس، مقاله با برشماری مبانی نظری سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص) آغاز می‌شود و نخست انسان و ویژگی‌های او مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پی مبانی نظری، مبانی عملی سیره پیامبر اعظم (ص) در سه قسمت بررسی می‌شود.

در مجموع، این مقاله در پی تبیین و تحلیل سیره پیامبر اعظم (ص) بر اساس دعوت به اسلام است که دایره مدار رفق و مدارا و ترویج در سه جهت محتوای دعوت، دعوت شوندگان و مراتب دعوت است.

بر اساس این مقاله و سیره سیاسی و حکومتی پیامبر اعظم (ص) که باتوجه به مباحث «انسان» و «اجتماع» طراحی شده است، می‌توان دریافت سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص) امامت بود و نه استبداد، و ایشان در امور حکومتی بر اساس صلاح جامعه و پس از مشورت با مسلمانان، تصمیم‌گیری و سپس عمل می‌کردند.

دومین مقاله از بخش اول، مقاله‌ای با عنوان «مبانی انسان‌شناختی سیره سیاسی نبوی» نوشته مرتضی یوسفی‌راد عضو هیئت علمی گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی است. در این مقاله به مبانی انسان‌شناختی سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص) بر اساس تفکر دینی و فلسفی اسلام پرداخته شده است. به نظر مؤلف، شکی نیست ماهیت هر نوع رفتار سیاسی-اجتماعی پیامبر (ص)، ناشی از نوع نگرشی است که ایشان از انسان و ماهیت و هستی او دارد. این مقاله درصدد بیان مبانی نظری انسان‌شناسانه سیره سیاسی پیامبر (ص) است تا نشان دهد سیره سیاسی پیامبر (ص) به ملاحظه ماهیت و سرشت انسان، به دنبال احیای کرامت ذاتی انسان است و به ملاحظه جایگاه وجودی او که از سوی خداوند به عنوان جانشین خدا در زمین تعیین شده، به دنبال رساندن انسان به کرامت ارزشی ویژه‌ای است که پروردگار به چنین انسانی افاضه کرده است.

در این مقاله از زاویه «ماهیت‌شناسانه» که معرفت‌دو بعدی بودن انسان است و «وجودشناسانه» که معرفت جایگاه وجودی انسان نزد خداوند و عالم هستی است، به سیره سیاسی پیامبر (ص) نگریسته شده است. نکته مهم اینکه: بر اساس داده‌های مقاله، نوع نگرش انسان‌شناسانه پیامبر (ص) موجب شده است سیره سیاسی و حکومتی وی ناظر به دگرگونی دایمی و تحول انسان از نقص به کمال تا حد خلیفه‌اللهی باشد. شاید بتوان استناد به آیات قرآن را در موارد بسیار، از دیگر ویژگی‌های قابل ذکر این مقاله نیست.

مقاله سوم از بخش اول، «اصول حاکم بر سیره اخلاقی-سیاسی پیامبر اسلام (ص)» نوشته دکتر غلامرضا بهروز لک،

بنابر مقتضیات موضوعی، پاسخی متقن به مباحث مذکور است. نخستین مقاله، با عنوان «سیر تاریخی مبانی سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص) با نگاه به اندیشه قرآنی علامه طباطبائی» به قلم احمد رضا یزدانی مقدم، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) است. به نظر مؤلف، سیره سیاسی-حکومتی پیامبر (ص)، نخست بنابر هدف ارسال رسل، قابل بررسی است. در اندیشه قرآنی علامه طباطبائی، این بحث از انسان‌شناسی آغاز می‌گردد و به معرفت‌شناسی و فلسفه اجتماعی-سیاسی و سپس فلسفه وحی و نبوت ختم می‌شود.

در این مقاله، برای پژوهش در مبانی سیره سیاسی پیامبر اعظم (ص)، از ساختار اندیشه قرآنی علامه طباطبائی، بهره گرفته شده است. نگارنده در مقالات دیگری، چون «ادراکات اعتباری، مصلحت و سکولاریزاسیون» در نشریه فرهنگ اندیشه، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۴ و «ادراکات اعتباری و اندیشه سیاسی علامه طباطبائی»، نشریه پگاه حوزه، شماره ۱۹۵، آبان ۱۳۸۵ و «آغاز و انجام تاریخ با نگاه به اندیشه فلسفی قرآنی علامه طباطبائی»، نشریه پگاه حوزه، شماره ۱۹۶، آذر ۱۳۸۵، در تبیین اندیشه علامه طباطبائی کوشیده است؛ از این رو در این مقاله در برشماری و تحلیل مبانی نظری، به اشاره و آوردن اصول مباحث، بسنده کرده است.

به نظر می‌رسد در تدوین این مقاله، تلاش بر آن بوده است که مباحث، نخست از مبانی نظری آغاز شوند و به مبانی عملی بینجامند. بر این اساس، تلاش مؤلف بر این است که چه در مبانی نظری و چه در مبانی عملی، اصولی چون انسان و ویژگی‌های او، حیات اجتماعی و مقتضیات آن، توحید الهی و مساوات اجتماعی، عمل پیامبران الهی (ع) و پیامبر اعظم (ص) را مورد توجه قرار دهد. مبانی نظری این مقاله، شامل مباحث ذیل است:

الف) انسان؛

ب) اجتماع؛

ج) پیامبران؛

د) دین انسانی و مبانی عملی؛

- سیره پیامبران و پیامبر اعظم (ص)؛

- سیره پیامبر اعظم (ص) در دعوت به اسلام؛

در تقابل با رسول خدا(ص) است.

ششمین مقاله از بخش اول، اثر محمدمامیر ناصری، زیرعنوان «سیره نظامی پیامبر اعظم(ص)» است. مؤلف در این مقاله، کارنامه نظامی زندگی پیامبر اعظم(ص) را از ابعاد مغفول حیات ایشان می‌داند. نویسنده، علت اختصاص بخشی از حیات رسول اعظم(ص) در مدینه به فعالیت‌های نظامی را تعدد ساختارهای اجتماعی-سیاسی، دشمنی‌ها و رقابت‌های بسیار در مدینه و نیز دشمنی قریش ذکر کرده است. مؤلف درصدد است سرایا و غزوات را در قالب رویکردهای جدید نظامی و ابتکارات استراتژیک آن عصر، اثبات کند و با صرف نظر از روند پیام و پیامبری رسول خدا(ص)، ایشان را از بزرگترین رهبران نظامی در تاریخ جهان معرفی می‌نماید. در این مقاله، ماهیت و چرایی جنگ‌ها، تقسیم‌بندی آنها و سازمان نظامی رسول خدا(ص)، مورد بررسی قرار گرفته است.

«اصول رهیافت امنیتی پیامبر(ص) در قرآن کریم» نوشته دکتر نجف علی لک زایی، استادیار علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع)، عنوان هفتمین مقاله بخش اول است. فرضیه اساسی مقاله این است: سیره نبوی، ظرفیت لازم برای پاسخگویی به مشکلات امنیتی انسان امروز را دارد و اساساً هیچ امکانی فراروی بشر امروز برای رسیدن به امنیت نیست، جز روی آوردن به سیره نبوی

باتوجه به ابعاد گسترده بحث امنیت، در این پژوهش تنها مختصری از مباحث امنیت در سیره نبوی مطرح شده است. مؤلف معتقد است: برخلاف نظر برخی شرق‌شناسان که اصل در روابط بین‌دولت‌ها و دارالحرب را جنگ، و گسترش اسلام را در سایه شمشیر دانسته‌اند، این مقاله می‌کوشد با بررسی نظریه سیاست خارجی دولت نبوی در چارچوب روابط دارالسلام و دارالحرب، اسلام را از هر نوع خشونت و جنگ پیراسته کند.

آخرین مقاله از بخش اول، «نظریه عدالت در دولت نبوی» نوشته روح‌الله دهقانی است. به نظر مؤلف، عدالت اجتماعی به تعداد حوزه‌های اجتماعی قابل تفکیک است؛ بنابراین به طور کلی عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی و عدالت حقوقی از یکدیگر قابل تفکیک هستند. این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست: کدام یک از حوزه‌های عدالت اجتماعی، در سیره نبوی، مهم‌تر و به عبارتی زیربنایی‌تر از دیگر حوزه‌هاست؟ تعریف هکدام از این حوزه‌ها چیست و چگونه و با چه وسیله‌ای می‌توان بدان دست یافت؟ وظیفه حاکمیت در قبال اجرای عدالت چیست؟ در این پژوهش، مجموعه بیانات و اقدامات رسول

استادیار علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم است. این مقاله با تمرکز بر سیره اخلاقی-سیاسی پیامبر اکرم(ص) به بررسی شیوه‌های رفتاری آن حضرت در عرصه سیاسی می‌پردازد.

به نظر می‌رسد از نظر مؤلف، مهم‌ترین ویژگی سیره اخلاقی-سیاسی پیامبر اعظم(ص)، فضیلت محوری است که نمونه بارز آن در فتح مکه و در برخورد پیامبر(ص) با مخالفانش به منصفانه ظهور رسید. در این مقاله، همچنین بر اصولی چون مدارا، مسئولیت‌پذیری و نظارت سیاسی در سیره اخلاقی-سیاسی آن حضرت تأکید شده است.

چهارمین مقاله از بخش اول، زیرعنوان «جریان‌شناسی سیاسی دولت نبوی»، به قلم دکتر حمید فغفور مغربی عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نگاشته شده است. مؤلف تأکید می‌کند: در جامعه‌شناسی سیاسی، «جریان» به معنای یک سلسله وقایع و حوادث سیاسی مرتبط با یکدیگر است که با اهداف و برنامه مشخصی بر محور خاصی به وقوع می‌پیوندد. جناح‌ها و احزاب سیاسی، همواره پس از پیدایش جریان‌های سیاسی شکل می‌گیرند.

این مقاله پس از تبیین مفاهیم، به بررسی عوامل پیدایش جریان‌های سیاسی دوران پیامبر(ص) پرداخته است. مؤلف، جریان‌های دوران حکومت نبوی را در قالب چهار جریان عمده بررسی کرده است: جریان مهاجر، جریان انصار، جریان بنی‌هاشم و جریان بنی‌امیه.

مؤلف در این راستا، سه پرسش اساسی مطرح کرده است و به آنها پاسخ می‌دهد:

۱. علل و عوامل تحولات تاریخ صدر اسلام و امتداد آن تا سیزده قرن چه بوده است؟
۲. چرا پس از رحلت پیامبر(ص) بحران جانشینی شکل گرفت؟
۳. چرا پس از خلفا که تاحدودی به سیره پیامبر(ص) عمل می‌کردند، بنی‌امیه به قدرت رسیدند؟

مقاله پنجم از بخش اول، زیرعنوان «جریان‌شناسی سیاسی در دولت نبوی» به قلم سیدناذر علوی عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نوشته شده است. این مقاله به درگیری‌های پیامبر(ص) در مکه و مدینه می‌پردازد. محور این پژوهش، سه جریان سیاسی-اجتماعی مشرکان، یهود و منافقان

شریعت با قدرت و در نتیجه سرشت و ماهیت شریعت، اهداف آن و نیز سازوکارهای تحقق شریعت در پرتو قدرت پیامبر(ص) مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش دوم مقاله، مناسبات قدرت با شریعت مورد توجه قرار گرفته است و تأثیرپذیری سرشت و ماهیت قدرت، اهداف قدرت و سازوکارهای اعمال قدرت پیامبر(ص) از شریعت اسلام بیان می‌گردد. در این مقاله، ضمن نشان دادن تقدم شریعت بر قدرت در سیره سیاسی پیامبر(ص)، مناسبات و ارتباط دوسویه آنها نیز نمایان می‌شود.

مقاله بعدی «نسبت دین و سیاست در سیره نبوی» نوشته احمد بستانی دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس است. در این مقاله، فعالیت‌های سیاسی انبیای الهی به دو دسته تقسیم شده است: نخست، پیامبرانی که حکومت را در دست داشته‌اند یا درگیر فعالیت‌های سیاسی شده‌اند؛ مانند حضرت سلیمان(ع)؛ دوم، انبیائی که در رأس یک نظام سیاسی قرار نگرفته‌اند؛ مانند حضرت مسیح(ع). نویسنده مقاله درباره علت این اختلاف موضع، معتقد است: برخی آن را به حکمت و اراده الهی مربوط می‌دانند که تفسیری درون دینی از این پدیده محسوب می‌شود؛ دسته‌ای دیگر به ویژه جامعه‌شناسان دین، این تنوع را ناشی از شرایط تمدنی و سیاسی عصر ظهور هر پیامبری معرفی می‌کنند و هر دینی را پاسخی به چالش‌های موجود در تمدنی که پیامبر به آن تعلق دارد، می‌دانند.

در این مقاله، هر دو نظریه امامت و خلافت بر این پیش فرض اساسی مبتنی‌اند که دین اسلام قابل تفکیک از سیاست نیست و پس از وفات نبی، تشکیل حکومت به دست مسلمانان واجب است.

این پژوهش کوشیده است آرای این دسته از متفکران را بررسی کرده، نقاط قوت و ضعف استدلال‌های آنان را نشان دهد؛ برای این منظور مدعای آنان را در دو محور بررسی کرده است: نخست، آنجا که استدلال‌شان به ذات و سرشت آیین اسلام و تعالیم آن باز می‌گردد و دوم، آنجا که استدلال‌شان به بررسی و تحلیل سیره نبوی استوار است. در این مقاله فرضیه‌ها در خصوص نسبت دین و سیاست در اسلام، اینچنین مطرح شده‌اند:

۱. برخلاف نظر سکولارهای مسلمان، اسلام دارای ساحت سیاسی قابل توجهی است و سیاست جزئی از ذات اسلام است.

۲. برخلاف نظر بنیادگرایان دینی، اسلام دارای یک نظام سیاسی جامع و مانع نیست.

۳. اسلام دارای آموزه‌های سیاسی است و بررسی سیره پیامبر اسلام و سرشت دین اسلام، به خوبی نشان‌دهنده این دیدگاه

خدا(ص) در خصوص عدل و مبارزه با بی‌عدالتی در حوزه‌های مختلف اجتماعی به صورت مستند، ذکر و تحلیل شده است. بخش دوم کتاب، شامل پانزده مقاله است که به ابعاد الگویی و تربیتی و نظام سیاسی (سیاست داخلی) در سیره نبوی اختصاص دارد.

«ویژگی‌های کارگزاران در حکومت نبوی» نوشته بهرام دلیر، دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناسی ارشد علوم سیاسی است. مؤلف در این نوشتار خلاصه‌ای از ویژگی‌های کارگزاران در حکومت نبوی را تبیین کرده، به تحلیل مهم‌ترین اصول حکمرانی و ویژگی‌های کارگزاران در دولت نبوی می‌پردازد تا نمایی از آن دولت را به عنوان اسوه حسنه ارائه کرده باشد.

مقاله «مناسبات قدرت و شریعت» نوشته دکتر منصور میراحمدی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی است. به نظر مؤلف، فعالیت‌ها و اقدامات سیاسی پیامبر(ص) در مدینه، گونه‌ای خاص از اعمال قدرت را در عرصه زندگی عموم مردم نمایان می‌سازد؛ از سوی دیگر پیامبر(ص) پس از دریافت شریعت، به ابلاغ آن پرداخته، احکام و آموزه‌های آن را در میان مردم اجرا کرده است.

ملاحظه این دو واقعیت در زندگی و سیره پیامبر(ص)، پرشش از نسبت اعمال قدرت وی با شریعت اسلام را به پرسشی اساسی تبدیل کرده است. نویسنده، مناسبات قدرت و شریعت را در سیره سیاسی پیامبر(ص) دوسویه دانسته است: مناسبات قدرت با شریعت و مناسبات شریعت با قدرت.

در این مقاله سرشت و ماهیت قدرت، اهداف قدرت، ساختار نظام سیاسی و شیوه‌ها و سازوکارهای اعمال قدرت پیامبر(ص)، مهم‌ترین عرصه‌هایی ذکر شده‌اند که در آنها قدرت با شریعت ارتباط برقرار می‌کند؛ علاوه بر این، سرشت و ماهیت شریعت؛ اهداف شریعت و شیوه‌ها و سازوکارهای تحقق آن، مهم‌ترین عرصه‌هایی بیان شده‌اند که در آنها شریعت با قدرت ارتباط برقرار می‌سازد. بر این اساس، مناسبات مذکور، ارتباطی متقابل و دوسویه را به نمایش می‌گذارند؛ هرچند به نظر می‌رسد قدرت در سیره سیاسی پیامبر(ص) تابعی از شریعت وی است.

این مقاله در دو بخش، مناسبات قدرت و شریعت را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش نخست این مقاله، مناسبات

مسائل عمده و مهم درباره نظام سیاسی در اسلام، در اختیار جامعه علمی قرار گیرد.

در مجموع می توان گفت: این مقاله، به بررسی ساختار نظام سیاسی نبوی با استناد به شرایط اجتماعی عصر پیامبر (ص) و نیز سیره نبوی پرداخته است.

مقاله بعدی «توزیع قدرت در دولت نبوی» اثر محسن ابو الفتوحی پژوهشگر دانشگاه مفید است. به نظر مؤلف، توزیع قدرت، مانند توزیع ثروت در عرصه اقتصادی و توزیع حقوق سیاسی در عرصه جامعه است که همواره با دشواری هایی مواجه بوده است. تأسیس دولت پیامبر اکرم (ص) در مدینه، به عنوان قدرتی متمرکز، برای نخستین بار در تاریخ شبه جزیره عربستان، منطقه ای با قبایل فراوان و گوناگون و آداب و رسوم مختلف، نشان از تغییر و تحول ساختارهای سیاسی و اجتماعی آن روزگار داشت. در این شرایط، پس از تشکیل دولت پیامبر اکرم (ص) با شعارهای عقیدتی و وارد کردن مفهوم امت و در نتیجه، شکل گیری امت اسلامی، به گونه ای میان مفهوم امت و قبیله به عنوان تنها ساخت سیاسی و اجتماعی مستقل، چالش به وجود آمد. سؤال اصلی این پژوهش این گزاره است: پیامبر اسلام چگونه با حفظ ساختار قبیله و پرداختن به مفهوم امت، به توزیع قدرت در ساختار دولت پرداختند؟

فرضیه اصلی این پژوهش، چنین است: پیامبر (ص) با ترکیب ساختار قبیله در مفهوم امت، ضمن حفظ استقلال قبایل و واگذاری نوعی قدرت به آنها به یکپارچگی امت اسلام پرداختند. این مقاله درصدد تبیین چگونگی توزیع قدرت در دولت نبوی با رویکردی تاریخی و باتوجه به مفهوم امت به عنوان یک کل و حفظ ساختار قبیلگی، به عنوان اجزای تشکیل دهنده دولت پیامبر (ص) است.

مقاله بعدی، «ولایت سیاسی پیامبر اعظم (ص)» نوشته ابوالحسن حسنی، پژوهشگر مرکز پژوهش های اسلامی سازمان صدا و سیماست. به نظر مؤلف، اصل ولایت، نظریه مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه را سامان می دهد؛ اما نکته کلیدی درباره این اصل، ولایت سیاسی پیامبر اعظم (ص) است؛ زیرا این اصل بر پایه ولایت انتصابی استوار است و در این صورت، ولایت هر کسی بعد از پیامبر اعظم (ص) اثباتاً وابسته به ولایت آن بزرگوار است؛ اگرچه ثبوتاً به جعل ولایت از سوی حق تعالی وابسته است. از این رو مؤلف بررسی ولایت سیاسی پیامبر اعظم (ص) را باتوجه به غفلت محققان، حائز اهمیت بسیار دانسته است.

محورهای اصلی این مقاله، مباحثی چون: نسبت رسالت با ولایت، مشروعیت ولایت به نصب الهی، دلایل ولایت خاصه پیامبر اعظم (ص)، گستره ولایت پیامبر اعظم (ص) و تأملی در

است. این آموزه ها نوع معین و خاصی از نظام سیاسی را مشخص نمی سازد، بلکه معیارهایی برای ارزیابی محتوایی نظام های سیاسی بشری به دست می دهند. براساس این معیارهای محتوایی، مسلمانان می توانند برخی از اشکال های حکومت و نظریه های سیاسی را بپذیرند و برخی دیگر را رد کنند.

در این راستا، نظریه پیوند دین و سیاست در اسلام، نظریه سکولاریسم اسلامی، نسبت دین و سیاست در اسلام و مسیحیت و دین و سیاست در سیره نبوی، مورد ارزیابی قرار می گیرند.

«بررسی مبانی و ماهیت دولت نبوی و دولت مدرن»، نوشته عارف فصیحی دولتشاهی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی است، این مقاله دو نبوی و دولت مدرن را از نظر مبانی و ماهیت، بررسی و مقایسه می کند. به نظر مؤلف، سکولاریسم، اومانیزم و لیبرالیسم به عنوان مبانی دولت مدرن و توحید و عدالت به عنوان زیرساخت های دولت نبوی، زاویه های این بررسی را تشکیل داده اند. نتیجه این بررسی، این است که چون دولت در مبانی و اصول، دارای تفاوت های جدی و اساسی هستند، ماهیت دولت نیز متفاوت خواهد بود. ماهیت دولت نبوی را می توان در ماهیت رسالت، هویت رسول و ایمان آورندگان به پیامبر جست. از سوی دیگر ماهیت دولت مدرن در ماهیت و تقاضاهای انسان مدرن ردیابی شده است. بنابر نتیجه این مقاله، از آنجا که انسان مدرن خردگرا، سکولار و دموکراتیک است، دولت مدرن، دولتی عقل گرا، سکولار و دموکراتیک است.

«ساختار نظام سیاسی نبوی»، عنوان مقاله دکتر داوود فیرحی، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است. مؤلف، نقش تأثیرگذار سیاست و دولت در زندگی اجتماعی انسان را به گونه ای می داند که زندگی اجتماعی انسان ها در درون نظام سیاسی و با آن معنا می یابد. از دیدگاه عموم مسلمانان، نخستین و عالی ترین نمونه آرمانی نظام سیاسی در اسلام، نظام سیاسی مدینه النبی است. در تعیین ماهیت و ساختار مدینه النبی، بین متفکران توافق نظر وجود ندارد؛ زیرا نظریه هایی که هریک از مذاهب اسلامی به کار می بندند، در تجارب تاریخی پیشین نهفته است.

در این پژوهش، به تعریف و توصیف نمونه ای جامع بین طیف های گسترده از تفسیرها درباره ماهیت و ساختار نظام سیاسی نبوی پرداخته شده است تا معیارهایی برای انتخاب

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نگاشته شده است. اساساً این مقاله در صدد تبیین قانون اساسی مدینه و مسئله امنیت در دولت نبوی است. پیش فرض این نوشتار، این است که پیامبر (ص) علاوه بر مقام رسالت، منصب حکومت و فصل خصومت را نیز به عنوان یکی از وظایف شرعی خود و در راستای رسالت تعقیب نموده است. این مقاله با نگاهی جامعه‌شناختی به تحلیل محتوای متن قانون اساسی، می‌پردازد و نقش آن را در تأمین امنیت مدینه، بررسی می‌کند.

مقاله بعدی «شورا و مشورت در حکومت نبوی»، اثر دکتر محمود شفیعی، دانش‌آموخته حوزه علمیه و استادیار علوم سیاسی دانشگاه مفید است. مقاله مذکور بر اساس اصل کلی لزوم هماهنگی قول و فعل و تقریر پیامبر (ص) با قرآن - استدلال کرده است: سیره پیامبر (ص) در امر حکومت، بر رویه مشوری استوار بوده است.

به نظر مؤلف، طرح مشورت در حوزه عمومی به دو صورت امکان‌پذیر است: نخست، بررسی جایگاه «مشورت» در ایجاد زندگی سیاسی؛ مانند تشکیل یک نظام سیاسی و انتخاب حاکم برای آن؛ دوم، بررسی نقش «مشورت» در تداوم و استمرار زندگی سیاسی در مرحله اول. مسئله اساسی این است که در حکومت اسلامی، تصمیمات سیاسی حاکمان طی چه فرایندی قطعیت می‌یابد؟ و نیز آیا حاکم اسلامی، مجموعه تصمیمات حکومتی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... را بدون لحاظ مطالبات شهروندان، تنظیم و اجرا می‌کند یا در امر و بعد از مشارکت همگان در فرایند تصمیم‌گیری و قطعی شد تصمیمات این فرایند، به حکومت خواهد پرداخت؟ این مقاله به طرح و تبیین مسئله در مرحله دوم می‌پردازد. در این راستا، به طرح فلسفه مشورت در اسلام و دیدگاه‌های موجود در این باره، با تکیه بر سیره امضا شده پیامبر (ص) در قرآن، استدلال شده است: «مشورت» در اسلام در هماهنگی با طبع تکامل‌پذیر بشر از راه به کارگیری خرد در عرصه زندگی اجتماعی و پرورش آن از این طریق، تشریح شده است.

«عدالت در سیره نبوی» عنوان مقاله نجمه کیخا، دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. این مقاله به چگونگی تحقق عدالت در سیره پیامبر اکرم (ص) پرداخته است. عدالت در این پژوهش، عبارت از اعطای حق به صاحبان آن است که تعریف عدل مطلق است و در ابعاد اجتماعی آن، مساوات و برابری را نیز شامل می‌شود.

در این پژوهش، تلاش بر آن است که سه صورت ذهنی، رفتاری و مادی در هر باور اعتقادی، در سیره پیامبر اکرم (ص) در خصوص بحث عدالت مورد بررسی قرار گیرد؛ علاوه بر

آرای ناقدان ولایت سیاسی پیامبر اعظم (ص) است. هشتمین مقاله از بخش دوم: «جایگاه رهبری در دولت اسلامی» نوشته عباس حیدری بهنوی، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران است. مؤلف، نخستین اختلاف و بیشترین کشمکش‌ها در تاریخ اسلام را ناشی از بی‌توجهی به جایگاه واقعی رهبری در نظام اسلامی می‌داند. مقاله مذکور، در پی بررسی این فرضیه است که با پژوهش در آیات و روایات ناظر به رهبری پیامبر (ص)، می‌توان به این گزاره مشترک دست یافت که جایگاه رهبری در دولت نبوی، نسبت به دیگر عناصر دولت نبوی از برجستگی خاصی برخوردار است. در این پژوهش، مفهوم «دولت نبوی» آن‌گاه روشن می‌شود که در کنار دو مفهوم دیگر، یعنی «حکومت» و «حاکمیت» قرار داده شود.

این پژوهش در چهار محور سامان یافته است: چارچوب مفهومی پژوهش دستور زبانی در آیات، تحلیل روایات عمده ناظر به این موضوع، اشاره به کنش‌های کلامی و رفتاری پیامبر (ص) که در آنها جایگاه رهبری در دولت نبوی برجسته شده است و بررسی پاره‌ای از کنش‌های کلامی و رفتاری مسلمانان که دال بر ویژگی جایگاه رهبر در دولت نبوی است.

نهمین مقاله دوم، «نبوت، شریعت و قانون»، نوشته علی حسینی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه مفید است. به نظر مؤلف، توجه به نبوت و جایگاه نبی در ساختار اندیشه سیاسی، از مهم‌ترین شاخصه‌های فلسفه سیاسی اسلام است. این مقاله تلاشی است برای اثبات پیوند وثیق قانون در دیانت اسلام و به تبع آن در تفکر اسلامی با دو مفهوم شریعت و نبوت و اینکه نبی (ص) در جایگاه صاحب، مبلغ و آورنده شریعت از سوی خداوند، منشأ اصلی قواعد مورد نیاز بشر در قالب قانون خواهد بود.

در این مقاله، تعاریفی از قانون و نیز اندیشیدن به شیوه قدیم و جدید و الزامات قانون در بستر تاریخ، وحی و شریعت و تفکر اسلامی و نیز قانون، شریعت و نبوت در دیدگاه فارابی، ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبائی، مورد بررسی قرار گرفته است.

«قانون اساسی در مدینه و مسئله امنیت در دولت نبوی»، عنوان مقاله‌ای است که رجبعلی اسفندیار، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، کارشناسی ارشد علوم سیاسی و عضو هیئت علمی

۴. انسجام و همبستگی اجتماعی.

بخش سوم این کتاب، زیر عنوان «نظام سیاسی نبوی سیاست خارجی»، که شامل مباحث تطبیقی و آسیب‌شناختی حکومت است، دربردارنده هفت مقاله است: نخستین مقاله با عنوان «شیوه برخورد با مخالفان و منتقدان در دولت نبوی» اثر علی خالقی، دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی است. محور اساسی این مقاله، چگونگی برخورد رسول اکرم (ص) با مخالفان و منتقدان دولت نبوی است. برای بررسی این موضوع، ابتدا ماهیت مخالفان و منتقدان دولت نبوی بازشناسی شده است و به برخی شیوه‌های انتقاد و مخالفت آنان نیز اشاره گشته است. در ادامه شیوه برخورد پیامبر (ص) با هریک از این منتقدان و مخالفان، مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر مؤلف، پیامبر اعظم (ص) در برخورد با این مخالفان هرگز از اصل هدایتگری، انصاف، اخلاص، دلسوزی و رحمت عدول نکرد و به عناد و انتقام‌جویی نپرداخت.

دومین مقاله، «سیاست خارجی دولت نبوی» تألیف دکتر محمد ستوده، استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه باقرالعلوم (ع) است. مؤلف اذعان می‌دارد: سیاست خارجی پیامبر اکرم (ص) از حیث نظری، در چارچوب رسالت جهانی اسلام معنا می‌یابد و از حیث عملی، پس از تحقق دولت نبوی در مدینه. پیامبر (ص) پس از بعثت مأموریت یافت دین اسلام را به جهانیان ابلاغ نماید؛ از این رو مسئله قدرت و امکان نیل به هدف در روابط و سیاست خارجی، از جایگاه خاصی در سیاست خارجی دولت نبوی برخوردار است. جنبه دیگر سیاست خارجی دولت نبوی، مربوط به ترسیم وضعیت جهان خارج از مدینه بود؛ از این جهت می‌توان گفت شناخت دولت‌ها یا امپراتوری‌های آن زمان، برای پیامبر (ص) اهمیت داشت. در این مقاله تلاش بر آن است تا جنبه‌های سه‌گانه قدرت، فرصت‌ها و محدودیت‌های ساختاری در سیاست خارجی پیامبر (ص)، با استفاده از رفتار و سیره آن حضرت بررسی و در عین حال بر الگوهای نظری و عملی آن تأکید شود.

«معیار روابط با بیگانگان در سیره نبوی»، مقاله دیگری است که رضا عیسی‌نیا عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی آن را تألیف کرده است. محور اصلی بحث، نحوه زیست پیامبر (ص) در دوران حکومت اسلامی با بیگانگان است. این مقاله برای تبیین بحث، به این ترتیب سامان‌دهی شده است: تعریف مفهوم بیگانه و وجه تمایز آن، توصیف سیره نبوی در روابط و زیست همگانی، تبیین معیار روابط با بیگانگان در سیره نبوی، تبیین عمق روابط با بیگانگان در سیره نبوی.

«حقوق اقلیت‌ها در حکومت نبوی»، تألیف روح‌الله

این، تمهیدات پیامبر (ص) برای برقراری عدالت میان اعضای جامعه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان نیز در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

سیزدهمین مقاله از بخش دوم، زیر عنوان «عدالت خواهی و عدالت محوری در سیره پیامبر اعظم (ص)»، نوشته محمدعلی کلهر، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم است.

به نظر مؤلف، از آنجا که پیامبر اعظم به مصداق آیه شریفه «لکم فی رسول اللہ اسوة حسنة» عالی‌ترین و والاترین الگوی کمالات انسانی و مظهر عدالت در تمامی ابعادش می‌باشد. با بررسی سیره آن حضرت، می‌توان الگوی جامع و کاملی در دسترس انسان‌های جویای عدالت قرار داد.

اساساً این مقاله با تحلیل مفهوم عدل و مقصود از عدالت در سیره پیامبر (ص)، درصدد بررسی نمودهای عدالت اجتماعی در سیره و سنت پیامبر (ص) است.

مقاله چهاردهم از بخش دوم «بیعت و وفاداری سیاسی در نظام سیاسی عصر نبوی»، تألیف حمیدرضا مطهری عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است.

به نظر مؤلف، بیعت در عصر نبوی، علاوه بر نقش انشایی، کارکرد تأکیدی و ابزار وفاداری نیز به خود گرفت؛ زیرا براساس آیات قرآن، حکومت پیامبر (ص) از جانب خدا بود و مردم در زعامت و حاکمیت آن حضرت دخالتی نداشتند. در این مقاله، برای تبیین این نکته و به منظور فهم بهتر مفهوم بیعت و کارکرد آن در عصر نبوی، ضمن واژه‌شناسی و تبیین مفهومی این واژه، به پیشینه بیعت در عصر جاهلی اشاره شده است؛ علاوه بر این، مؤلف با نگاهی به منشأ مشروعیت حکومت پیامبر (ص)، به بیعت‌های آن حضرت در دوران مکی و مدنی نیز می‌پردازد.

مقاله بعدی، زیر عنوان «کارویژه‌های دولت نبوی»، تألیف علیرضا زهیری، دانش‌آموخته حوزه علمیه و پژوهشگر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی است.

در این مقاله، کارویژه‌ها- و البته محورهای اصلی مقاله- شامل موارد ذیل است:

۱. دفاع از شریعت و ترویج آن؛
۲. برپایی عدالت اجتماعی؛
۳. امر به معروف و نهی از منکر؛

نقش برعهده می‌گیرد که بخش غیردینی برای آن تعیین کرده است. در مجموع، محور اصلی این مقاله، براساس تفاوت و نظریه دولت نبوی و دولت سکولار لیبرال، طراحی شده است.

کتاب با مقاله «آسیب شناسی حکومت اسلامی در سیره نبوی» تألیف دکتر سیدصادق حقیقت، پژوهشگر حوزوی و استادیار علوم سیاسی دانشگاه مفید خاتمه می‌یابد. در این مقاله، مقصود از آسیب شناسی حکومت، شناخت و تحلیل آسیب‌های بالقوه یا بالفعلی است که در مبانی، ساختار یا کارکرد حکومت ایجاد می‌شود. به نظر مؤلف، سیره نبوی از دقت در شناخت آسیب‌های حکومت در ابعاد مختلف حکایت می‌کند. به نظر وی، حکومت اسلام همانند حکومت‌ها و تمدن‌های دیگر، ممکن است تولد، جوانی، پیری و دوران زوال داشته باشد؛ از این رو رسول گرامی اسلام (ص) همواره مردم را از آسیب‌های حکومت آگاه نموده‌اند تا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و قضایی با مشکلات کمتری روبرو شوند و در صورت مواجهه، بر آنها غالب آیند.

به نظر مؤلف، رسول اکرم (ص) هیچ‌گاه به سیاست اصالت ندادند، بلکه همواره سیاست را تابع اخلاق و معنویت دانسته‌اند. از سوی دیگر، پیامبر (ص) مسئولان و زمامداران را از آسیب‌های سیاسی برحذر می‌داشتند و مردم را ناظر و حاضر بر اعمال ایشان معرفی می‌کردند.

در این مقاله، آسیب شناسی سیاسی در رأس اقدامات فرهنگی رسول اکرم (ص) بررسی شده است. بنابر اظهارات مؤلف، حضرت محمد (ص) در جریان تغییر، تبدیل و گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، از شیوه فرهنگی بهره جست و هرگز به سیاست استقلال نداد. براساس این نظریه، پس از آنکه فکر، اندیشه و باور انسان تغییر کرد، رفتار و کردار او نیز تغییر خواهد کرد؛ لذا تغییر در محتوای باطنی انسان‌ها، عامل سرنوشت ساز به شمار می‌آید.

در این مقاله، مهم‌ترین آسیب در حکومت اسلامی از منظر سیره نبوی، نگاه استقلالی و ابزار محور به سیاست ذکر شده است.

در مجموع، مؤلف تلاش کرده است مهم‌ترین آسیب‌های حکومت اسلامی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را براساس سیره نبوی توصیف و تحلیل کند. به نظر مؤلف، آسیب‌های حکومت در ابعاد مختلف با هم ارتباط دارند؛ بنابراین نمی‌توان یکی را بدون در نظر گرفتن دیگری، تحلیل کرد. در ادامه مقاله، آسیب‌های حکومتی اعم از آسیب‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شمرده می‌شود و نحوه مواجهه رسول خدا (ص) با آنها و تدابیر ایشان، تحلیل و بررسی می‌گردد.

شریعتی، عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، عنوان سومین مقاله بخش سوم است. مؤلف در این مقاله بر آن است پس از بررسی مبانی و اصول رفتاری پیامبر (ص) در حکومت، به ویژه اصولی که در ارتباط با حقوق اقلیت‌ها در عرصه‌های مختلف است، به بررسی حقوق اقلیت‌ها در آن عرصه‌ها بپردازد؛ بدین منظور، رفتار فردی پیامبر (ص) - با افراد و گروه‌ها نیز - اهمیت می‌یابد.

چهارمین مقاله این بخش، «بررسی تطبیقی دولت نبوی و دولت سکولار» تألیف محمد عثمانی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی است. سؤال اساسی در تألیف این مقاله، این گزاره است: در نگرش تطبیقی، دولت نبوی و دولت سکولار چه نسبتی با هم برقرار می‌کنند؟ فرضیه مطرح شده در پاسخ به این سؤال، چنین است: دولت نبوی دولتی دینی و برخاسته از متن دین است؛ یعنی اقامه دولت از اهداف دین است؛ بر این اساس دولت نبوی با دولت سکولار تباین دارد.

مقاله بعدی «دولت دینی پیامبر (ص) و دولت سکولار لیبرال با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)» تألیف سید محمود رضابنایی دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد علوم سیاسی است. در این مقاله، دولت نبوی متمایز از دولت سکولار دانسته شده است. وجه عمده تفاوت دو نظریه دولت نبوی و دولت سکولار لیبرال، به وجه دینی دولت نبوی و خصوصیت غیردینی دولت سکولار باز می‌گردد.

حکومت دینی حقیقی، به معنای ایده آل آن، همان دولت نبوی است. در دولت نبوی همه امور اجرایی، قضایی و قانونگذاری به مبانی دینی مربوط می‌شود؛ در حالی که در دولت سکولار، دین در مسائل سیاسی و اجتماعی مرجعیتی ندارد. اسلام در زمان حیات حضرت محمد (ص) به طور غیر قابل انکاری، سیاسی بود و ایشان پیامبر جامعه دینی و در عین حال رئیس نظام سیاسی مسلمانان نیز بود.

به نظر مؤلف در دولت نبوی، دین مرجع همه امور است و حوزه عمومی و خصوصی را دربر می‌گیرد. طبق شریعت، قوای حکومتی تنظیم می‌شود و هدف از تشکیل نظام اسلامی، تأمین قسط و عدالت است. در مقابل، دولت سکولار، مفهومی متعلق به دوران مدرن است و به دولتی اطلاق می‌شود که ساحت عمومی را از دین جدا کرده است. بدیهی است دین در چنین جامعه‌ای